

## کارنامه ناصر حمیدی زارع، از نخجوان تا باکو

سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

**توجه :** این مقاله توسط یکی از منتقدین حمیدی زارع نوشته شده است و تنها جهت اطلاع منتشر می شود

غلامعلی سجادی

مقاله « باکو، مرکز تجاری سفیران ایران» که سال گذشته در برخی از سایت ها و وبلاگها منتشر شد، حکایتگر درد و رنجی نهفته درباره نحوه کارکرد سفارت جمهوری اسلامی در باکو بود که پس از سالها گوشه ای از آن افشا شد. پیش از انتشار مقاله یاد شده که به گوشه هایی از تجارتگری برخی دیپلماتها پرداخته بود، «سایت بازتاب» خبرهایی از اقدامات تجاری احد قضایی - سفیر سابق ایران در باکو - را منتشر کرده بود که انتشار این خبرها، واکنش احد قضایی را برانگیخت... «افشار سلیمانی» سفیر سابق دولت اصلاحات در باکو، علی رغم کارنامه سیاهی که در تلاش برای رسیدن به منصب حتی از طریق گرایش به بیگانگان داشت، در دوره اصلاحات، خود را در صف تندروهای اصلاحات جا زد و با حمایت افرادی مانند امین زاده (معاون وقت وزارت خارجه) و مهدی صفری (دیپلمات چند نبش) به سفارت در باکو منصوب شد. افشار سلیمانی به دلیل عدم کفایت در اداره امور سفارتخانه، بیشتر اوقات خود را به درگیری با کارکنان سپری می کرد و در نهایت پیش از پایان مأموریت، برکنار شد. در حالی که می کوشید وانمود کند که به دلیل وابستگی به طیف اصلاح طلبان برکنار شده است. این درحالی بود که وی در ماههای آخر سفارتش به شدت خود را طرفدار احمدی نژاد نشان می داد؟! درحالی که پیش از انتخاب احمدی نژاد و در دوره حاکمیت اصلاح طلبان نیز مسأله برکناری افشار سلیمانی مطرح بود... انتصاب ناصر حمیدی زارع به عنوان سفیر در باکو، حکایتی طولانی دارد. کسانی که در جریان انتصاب وی قرار دارند، می دانند که نامبرده تنها نه به دلیل شایستگی خویش، بلکه به دلیل «موقعیت و شرایط» ایجاد شده به عنوان سفیر منصوب شد. کارنامه فعالیت وی به عنوان سرکنسول در نخجوان نشان می داد که وی از توانایی و شایستگی لازم برای سفارت در کشوری مانند آذربایجان برخوردار نیست. به طور خلاصه اینکه وی در دوره سرکنسولگری اش در نخجوان، به جای تأثیرگذاری بر نحوه شکل گیری و مدیریت روابط نخجوان (که منطقه ایست در حد و قواره شهرستان مرند) با مناطق هم مرز آن در ایران، به سرویس دهی برای طرف مقابل مشغول بود. گاهی کاروانی از ورزشکاران نخجوانی را با هزینه ملت ایران به استانهای مرزی ایران اعزام می کرد. گاهی پروژه مشترک کشت سبب زمینی با نخجوانی ها را اجرا می کرد. (گفته می شود هنوز هم پول چند تن بدر سبب زمینی که از همدان توسط عوامل سرکنسولگری در نخجوان خریده شده بود، پرداخت نشده است) و حتی به برخی افراد نخجوانی مجوز می داد که در برخی استانهای مرزی ایران به تدریس موسیقی بپردازند!؟

از مهم ترین عوامل دخیل در انتصاب ناصرحمیدی زارع به عنوان سفیر، می توان موارد ذیل را نام برد:

- 1- لزوم برکناری سریع افشار سلیمانی
- 2- تلاش برخی طیف ها برای انتصاب افراد موردنظر خود به سفارت باکو که افراد مطرح شده مناسب نبودند.
- 3- تغییر دولت و روی کارآمدن افرادی مانند منوچهر متکی، مهدی مصطفوی و مهدی صفری در وزارت امور خارجه که نسبت به طرفداران هاشمی رفسنجانی (از جمله ناصر حمیدی زارع) نگاه مثبتی دارند. (مهدی صفری که پیش از دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، به شدت خود را طرفدار هاشمی رفسنجانی نشان می داد، و حتی بعد از برگزیده شدن احمدی نژاد، طی سفری به باکو در جلسه ای یکی از دیپلماتها را به خاطر رأی دادن به احمدی نژاد مورد عتاب قرار داده بود، بعد از انتصاب منوچهر متکی به وزارت امور خارجه، ارتقای مقام یافت و از مدیرکلی به معاونت رسید! پیدا کنید علت ارتقای وی را ...)
- 4- موافقت برخی مراکز تصمیم گیر با سفارت ناصر حمیدی زارع، علی رغم آگاهی از ناتوانی های وی. این مراکز بر آن بودند که حمیدی زارع اگرچه کارنامه فعالی در نخجوان ندارد، اما در صورت برطرف کردن ضعف های خود، می تواند به عنصری مفید تبدیل شود.
- 5- تلاشهای برخی از دوستان حمیدی زارع برای انتصاب وی به سفارت که از جمله می توان به افرادی چون احد مرحبا (نماینده آستارا - زادگاه ناصر حمیدی زارع) و حجت الاسلام سیدعلی اکبر اجاق نژاد(مسوول رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی در باکو که مدتی به عنوان امام جمعه در آستارا بوده و آشنایی دیرینی با ناصر حمیدی زارع دارد.) و نیز برخی افراد تأثیرگذار که از دوستان حمیدی زارع نبودند، اما تصور می کردند که در مقایسه با فردی مانند افشار سلیمانی، وی گزینه خوبی است. انتصاب حمیدی زارع به عنوان سفیر در باکو، در ابتدا امیدهایی را در درون آشنایان مسایل آذربایجان و روابط تهران - باکو برانگیخته بود. اما این امیدها رفته رفته رنگ باخت. چرا که وی نتوانست با گذشت يك سال از سفیری خود، فعالیت هایی انجام دهد که نویدبخش تأثیرگذاری بر روابط تهران - باکو در حوزه های مختلف باشد. و اگر اوضاع به همین منوال پیش رود، حمیدی زارع در نهایت کارنامه ای همانند کارنامه خود در نخجوان خواهد داشت ( احد قضایی در کنار کارهای دیپلماتیک، اقدامات بازرگانی شخصی خود را با برخی مقامات باکو و ایرانی در باکو انجام داد و پس از اتمام مأموریت، «انجمن دوستی ایران و آذربایجان» را که متشکل از برخی افراد تاجر پیشه و مورد اعتماد وی می باشد، تأسیس کرد تا روابط بازرگانی خود و دوستانش را در قالب این انجمن پیگیری کند و بتواند از امکانات دولتی ایران و باکو نیز در این راستا بهره مند شود.) عدم حساسیت ناصر حمیدی زارع به مسایل فرهنگی حوزه نمایندگی خود تعجب برانگیز است. و شگفت انگیزتر اینکه وی حتی از انتشار مقاله «باکو، مرکز تجاری سفیران ایران» ناخشنود بوده است!

در اخبار و گزارشهایی که توسط برخی ایرانی ها به سایت های خبری ارسال می شود، مواردی مانند تعطیلی «بیمه آذر آسیا» (شرکت بیمه مشترک ایرانی با طرف مقابل «آذربایجان») و تعطیلی «نماینده گی انتشارات الهدی» در باکو مورد توجه است. هنوز خبر شفافی درباره نحوه تعطیلی شرکت بیمه یاد شده و سرنوشت سهم ایران از این بیمه منتشر نشده است. درباره نمایندگی انتشارات الهدی در باکو، گفتنی است که این نمایندگی طی سالهای اخیر عملکرد مثبتی نداشته و به مرکز فروش صنایع دستی و انگشتر و تسبیح تبدیل شده بود. اما در يك نگاه معقول، می توان دریافت که تحول در نمایندگی انتشارات الهدی و گمردن فردی سالم و متعهد و کاردان به مدیریت آن می توانست کارساز باشد، نه تعطیلی نمایندگی. البته ممکن است عوامل متعددی درباره مسایل یاد شده تأثیرگذار باشد و در اینجا بر آن نیستیم که علت همه نابسامانی و ضعف ها را در سفیر جستجو کنیم. با این حال، سفیر، بالاترین مسوول کشورش در حوزه نمایندگی خود می باشد و نمی تواند خود را از مسوولیت ها مبرا بداند و حداقل لازم است درباره مسایل به نحو معقول اطلاع رسانی شود. مثلا درباره اتوبان باکو - آستارا و مبلغ هشتصد هزار دلاری که از بیت المال ملت ایران در اواخر مسوولیت آقای افشار سلیمانی هزینه شده است! دیگر موارد فرهنگی و خبری در حوزه مأموریت سفیر محترم جمهوری اسلامی در باکو:

- عملکرد نمایندگی خبرگزاری ایرنا در باکو بسیار ضعیف است. این نمایندگی اغلب برخی اخبار ترجمه شده در بولتن مطبوعاتی سفارت را برگزیده و با تغییراتی به مرکز ایرنا ارسال می کند. مسوولان خبرگزاری ایرنا در مرکز نیز تصور می کنند که اخبار ارسالی از باکو، توسط نمایندگی ایرنا در باکو تولید می شود!؟ همچنین گفتنی است که مسوول خبرگزاری ایرنا در باکو، نشریه ای به نام «فروغ آذربایجان» را در اردیبهل منتشر می کند که این نشریه گرایشات ناسلمی دارد و عملکرد آن مغایر با وحدت ملی است و اخیرا یکی از نویسندگان آن نیز دستگیر شده است.

- خبرنگار سیمای آذری « سحر » در باکو، فردی است که به زبان آذری تسلط ندارد و تنها با سفارش یکی از بستگانش، به باکو اعزام شده است!  
- در حوزه خبر و رسانه، در حالی که تبلیغات گسترده ای علیه انقلاب اسلامی، ایران و تشیع در باکو جریان دارد و کوچکترین اخبار مربوط به ایران، بخصوص آذربایجان ایران با جهت گیری شیطانی مورد توجه قرار می گیرد، سفارت و رایزنی فرهنگی آن همچنان به نظاره نشسته اند! و حتی در مواردی با حضور خبرنگاران و نویسندگان ایرانی در باکو مخالفت می شود!

بی گمان يك سفیر هوشیار و آگاه از کنار مسایلی که مطرح شد، بی تفاوت نمی گذرد، زیرا لحظه لحظه حضور او بایستی با کار و فعالیت بی امان در راستای تأمین و حفظ منافع ملی در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توأم باشد.

آگاهان می دانند که سطح روابط سیاسی - اقتصادی باکو - تهران برای مقامات باکو از سوی کشورهایی که مقامات باکو از داشتن روابط استراتژیک با آنها ( آمریکا و اسرائیل) سخن می گویند، ترسیم شده است و از این سطح فراتر نخواهد رفت. ( آقای خاتمی، در سفر به باکو در سال 1383، تحت تأثیر مشاوره دهی های برخی افراد ناآگاه یا مشکوک، در بالاترین سطح از موضع دولت باکو درباره مناقشه قره باغ حمایت کرد و در سخنانی صریح و غیردیپلماتیک اظهار داشت که قره باغ متعلق به جمهوری آذربایجان است. اما اینگونه موضع گیری که به ضرر روابط تهران - ایروان نیز بود، با برگزاری کنگره ضدایرانی در اسفند 1384 پاسخ داده شد!

پایان پیام.